

مردم‌نگاری

دکتر مرتضی منادی*

چکیده

مردم‌نگاری، هم به‌عنوان شیوه جمع‌آوری اطلاعات (انواع مشاهده)، هم به‌عنوان یک روش تحقیق (مجموعه‌نگارش کیفی و تحلیلی نسبت به یک موضوع تحقیق خاص) و هم به‌عنوان یک نظریه (مجموعه‌نظام خاصی که یک موضوع را در چهارچوب آن بتوان تحقیق کرد) مطرح است.

این روش بیش‌تر در رشته انسان‌شناسی و در روش‌های کیفی رشته‌های علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. استفاده از این روش در مورد تعدادی از موضوع‌ها که با ابزاری مانند پرسش‌نامه یا حتی مصاحبه‌های مستقیم امکان‌پذیر نمی‌باشد، به پژوهشگر امکان می‌دهد تا موضوع را بسیار عمیق و دقیق شناسایی کند. این شناخت موضوع اعم از مثبت (بررسی مراسم ازدواج) یا منفی (بررسی مراحل اعتیاد) برای جامعه مفید خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: مردم‌نگاری، انسان‌شناسی، روش کیفی، مشاهده.

مقدمه

از نظر لغوی مردم‌نگاری،^۱ یعنی توضیح و معرفی یک قبیله یا قوم، ولی از نظر روشی، یعنی روش تحقیق عملی و مطالعه زمینه‌ای و مجموعه روش‌های گردآوری اطلاعات جهت توصیف یک فعالیت خاص اجتماعی یا نوع زندگی دسته‌ای از افراد جامعه (لاپلاتین، ۲۰۰۰). مردم‌نگاری به مجموعه روش‌های گردآوری اطلاعات که امروزه نیز مطرح می‌باشند، گفته می‌شود. یعنی نوعی نزدیکی و وارد شدن به موضوع و حتی یکی شدن با آن. این روش‌ها صرفاً روش‌های توصیفی نیستند. مردم‌نگاری نوعی تحلیل است؛ وقتی ما دست به توصیف دقیق چیزی می‌زنیم، خود این توصیف یک تحلیل است (فکوهی، ۱۳۸۵، ص ۴۸۰).

مردم‌نگاری با این اصل شروع می‌شود که هر گروه اجتماعی واقعیت خاص خود را می‌سازد و دارای مفاهیم مورد قبول خود می‌باشد. بنابراین، یک مفهوم، زمانی معنا دارد که در موقعیت طبیعی و نه مصنوعی مورد مطالعه قرار گیرد، البته یک نشان یا علامت، زمانی معنادار می‌شود که دو بازیگر اجتماعی از آن یک معنی داشته باشند (لاپاساد،^۲ ۱۹۹۱، ص ۱۹)؛ یعنی توافقی در شکل و مفهوم معنی واحد بین افراد وجود داشته باشد. بدین‌سان، فهمیدن یک کنش اجتماعی به‌عنوان یک فرایند، تعاملاتی را می‌طلبد که دربرگیرنده کنش متقابل و تفسیر بازیگران اجتماعی است (همان، ص ۲۰). به عقیده دولوز فهم این مطالب همیشه همراه فعالیت‌های معمولی زندگی روزمره می‌باشد (دولوز، ۱۹۹۷، ص ۱۷). بنابراین، توجه به زندگی روزمره از نکات مهم مردم‌نگاری است. به عبارت دیگر، در هر گروه اجتماعی کلمات، اصطلاحات و رفتارهای مشخصی وجود دارد که اعضا آنها را می‌شناسند و از آنها استفاده می‌کنند و این مفاهیم و معناها متفاوت و کاملاً بیگانه از معانی غیر بومی است (همان، ص ۲۲). از این‌رو، بازیگر اجتماعی تنها فردی است که قدرت انجام آن کار و توصیف و تفسیر آن را دارد و می‌تواند آن معنا را به دیگر اعضا نشان دهد (همان، ص ۲۳).

به این ترتیب، مردم‌نگار ضمن برخورد با عملکردهای اجتماعی جامعه‌ای دیگر، اغلب با این پرسش روبرو می‌شود که آخرین حدود تنوع فرهنگی یا اجتماعی بشر را

1. ethnographie
2. Georges Lapassade

در کجا می‌توان یافت. برای مثال، زمانی که برانیسلاو مالینوفسکی^۱ انسان‌شناس معروف، دریافت که مردم جزایر تروبریاند خاصیت آبستن‌سازی پدری را نه به مردان، بلکه به ارواح دریاها نسبت می‌دهند، ناچار شد که مفهوم خویشاوندی و پیوندهای خانوادگی مورد نظرش را گسترش دهد (بیتس، ۱۳۷۵، ص ۵۷).

همان‌گونه که بیان شد، مردم‌نگاری هم به‌عنوان یک روش پژوهش و هم به‌عنوان یک فن یا ابزار اندازه‌گیری و هم به‌عنوان یک نظریه مطرح می‌باشد. مردم‌نگاری به‌عنوان روش، مجموعه ابزارها و تکنیک‌هایی مانند مشاهده، مصاحبه، عکس‌برداری، فیلمبرداری و غیره است که مردم‌نگار در طول زندگی با جامعه یا گروه خاصی، اطلاعاتی را جمع‌آوری و سپس آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

مردم‌نگاری به‌عنوان فن، روشی است، برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های پیرامون فرقه، گروه یا دسته‌ای از افراد. با انجام مشاهده یا مصاحبه غیر رسمی، مصاحبه‌شونده به طور دقیق نمی‌داند که فرد مقابل او یک پژوهشگر مردم‌نگار است و بنابراین، از هدف او بی‌اطلاع است. در این حالت، نه گفته‌ها ضبط می‌شوند و نه کاغذی در میان است که یادداشتی برداشته شود. مصاحبه به صورت یک گفتگوی دوستانه در محل طبیعی انجام می‌شود. در ضمن، مردم‌نگار در حین گفت‌وگو فقط به محتوای صحبت‌ها توجه نداشته، بلکه هم به اصطلاحات و فرهنگ خاص شخص و هم به نوع برخورد و رفتارهای اجتماعی او توجه دارد و هم به فرهنگ ظاهری شخص شامل پوشش و نوع آرایش او توجه می‌کند. در واقع، کلیه عناصر فرهنگی موجود در فرد و در آن محیط از نظر مردم‌نگار مورد توجه قرار می‌گیرد.

در رویکردی نظری به مردم‌نگاری، می‌توان گفت که هر گروهی واقعیت فرهنگی خود را که متمایز و متفاوت از دیگر فرهنگ‌هاست، می‌سازد. در واقع، به مرور زمان متوجه می‌شویم که کوچک‌ترین رفتارها (حرکات چهره، حالت‌ها و عکس‌العمل‌های عاطفی) اصلاً خنثی و طبیعی نیستند (لاپلانتین، ۱۹۸۷، ص ۲۱)، بلکه ناشی از فرهنگی است که افراد در آن زندگی می‌کنند. بدین سان، چیزی که انسان‌ها با یکدیگر مشترک هستند، قابلیت داشتن تفاوت‌ها در اجرای رسوم، زبان‌ها، روش‌های دانستن و نهادهای کاملاً متفاوت است. به عبارت دیگر، چیزی که در انسان کاملاً طبیعی است،

1. Bronislaw Malinowski

نگرش آنان نسبت به فرهنگ می‌باشد. (همان، ص ۲۲) از این‌رو، مردم‌نگار به آنچه که افراد گروهی یا جامعه‌ای انجام می‌دهند و به آنها باور داشته و برایشان مهم است، توجه می‌کند.

روش مردم‌نگاری بیش‌تر در روش کیفی معنی می‌یابد که اگر مراحل توصیفی طولانی صورت گیرد، به نظریه‌پردازی می‌انجامد (بومارد، ۱۹۹۰، ص ۲۵). این روش به دنبال کارهای مالینوفسکی، وایت و گیرتز یک سری دیدگاه‌ها و روش‌هایی را ایجاد می‌کند که شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱. زندگی در بین گروه مورد مطالعه در یک بازه زمانی خاص؛
۲. توجه به زندگی روزمره افراد گروه؛
۳. توجه دقیق به تعبیر و تفسیر افراد گروه از دنیا؛
۴. طرح‌ریزی جهانی‌بینی پیچیده زندگی گروه؛
۵. در نظر گرفتن ارزیابی فرضیه‌ها، حدسیات و تعبیر و تفسیر در طول کار پژوهشی؛
۶. و در نهایت، تحلیل، نتیجه‌گیری و سنتز بین روایت‌ها، نقل قول‌ها و مفاهیم (همان، ص ۳۰).

برای شناخت این مطالب باید از درون به مشاهده و گفتگو پرداخت، مطالعه نمود و شناخت پیدا کرد. مردم‌نگار مصاحبه‌هایی را انجام می‌دهد که از انعطاف‌پذیری زیادی برخوردار است و مانند یک گفتگوی دوستانه می‌باشد (لاپاساد، ۱۹۹۱، ص ۴۷). برای اینکه وجود مردم‌نگاری تأثیری بر افکار و رفتار گروه مورد مطالعه نداشته باشد، این نوع گفت‌وگوها اغلب ضبط نمی‌شوند. هم‌چنین، مردم‌نگار هیچ پیش‌فرض سازمان‌یافته‌ای را در ذهن نداشته و در پی پاسخ به نظریه خاصی نیست (وودز، ۱۹۹۰). این گفته بدان معنی نیست که مردم‌نگار فاقد فرضیه است. در واقع، هیچ پژوهشگری در هیچ رشته علمی، تحقیقش را مانند یک لوح نوشته آغاز نمی‌کند (بیئتس، ۱۳۷۵، ص ۵۸)، ولی مردم‌نگار فرضیه مشخصی را قبل از ورود به میدان پژوهش مطرح نمی‌کند، بلکه داده‌ها هستند که مردم‌نگار را هدایت می‌کنند. از این‌رو، زمین پژوهش تعیین‌کننده کل پژوهش است و در نتیجه، قبل از ورود به زمین پژوهش نمی‌توان نظریه‌ای خاص را پردازش کرد. در اصل ما اجازه می‌دهیم زمین آنچه را اهمیت دارد به ما دیکته کند (فکوهی، ۱۳۸۵، ص ۴۸۱).

روش مردم‌نگاری، مشاهده‌گر شرکت‌کننده^۱ و شرکت‌کننده^۲ کامل^۳ را ایجاب می‌کند که پژوهش‌گر در ضمن زندگی در محیط مورد مطالعه علاوه بر شنیده‌ها اعمال افراد و وسایل پیرامون آنها را نیز مورد مطالعه دقیق قرار می‌دهد (لاپاساد، ۱۹۹۶، ص ۱۰۲). البته مردم‌نگار باید دقت لازم را داشته باشد تا اندیشه و افکار خود را در نگاه‌ها و تفسیر داده‌ها دخالت ندهد. در واقع، دخالت پژوهشگر باید به حداقل رسیده تا موضوع پژوهش تحت تأثیر اندیشه پژوهشگر واقع نشود (همان، ص ۴۸).

مشاهده: مشاهده به دو صورت شرکت کردن یا شرکت نکردن در فعالیت گروهی جهت شناخت آرا و افکار انسان‌ها قابل استفاده در روش‌های کیفی است (پلتو، ۱۳۷۵). زمانی که محقق بدون شرکت در فعالیتی، آن فعالیت را از نزدیک مشاهده می‌کند، مشاهده‌گر کامل نامیده می‌شود. برای مثال، برای شناخت تماشاچیان فیلم خاصی در سینما، مشاهده‌گر در مقابل درب‌های ورودی یا خروجی سینما قرار گرفته و براساس سیاهه مشاهده از قبل تعیین شده، در پی جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز خود می‌باشد. بورديو جامعه‌شناس معاصر فرانسوی بدین‌گونه بازدیدکنندگان موزه‌ها را مورد مطالعه قرار داد (بورديو، ۱۹۶۶).

در صورتی که مشاهده‌گر مجبور باشد در فعالیتی شرکت کند تا به تمام جزئیات آن فعالیت و افکار حاکم بر عاملان آن فعالیت پی‌ببرد، مشاهده‌گر شرکت‌کننده نامیده می‌شود. در این حالت، فرد مجبور است مدتی در بین آن افراد زندگی کند. مهم‌ترین نکته در مشاهده مشارکتی آن است که مردم‌شناس سکوت اختیار کند و رفتارش را به رفتار اعضا گروه شبیه کند تا اختلاف خود با آنها را تا حد امکان فراموش کند (ریویر، ۱۳۷۹، ص ۴۰). پاتریک بومارد^۳ جامعه‌شناس آموزش و پرورش فرانسه که از روش مردم‌نگاری در پژوهش‌های خود استفاده می‌کند، در مورد چگونگی تصمیم‌گیری معلمان جهت راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی، براساس پرونده‌های تحصیلی آنها، مدتی به صورت معلم در استخدام دبیرستانی درآمد تا از نزدیک چگونگی تصمیم‌گیری معلمان و تأثیر آن بر آینده دانش‌آموزان را مشاهده کند (بومارد، ۱۹۸۲). ژرژ لاپاساد این دو نوع مشاهده‌گر را به سه نوع مشاهده‌گر تقسیم می‌کند.

1. observation participante
2. la participation complete
3. Patrick Boumard

مشاهده‌گر فعال (پژوهشگر نقشی را در گروه داشته و فعالیتی دارد)، مشاهده‌گر حاشیه‌ای (پژوهشگر کاملاً در فعالیت جاری دخالت نمی‌کند، ولی در جمع حضور دارد)، مشاهده‌گر کامل (پژوهشگر فقط به تماشای فعالیتی مشغول می‌باشد، بدون اینکه فعالیتی داشته باشد. که ممکن است از دور نظاره‌گر باشد) (لاپاساد، ۱۹۹۱، ص ۳۲-۳۵). مردم‌نگاری ابتدا در جوامع اولیه توسط مردم‌نگاران غربی اجرا می‌شد، ولی کم‌کم به خود جامعه‌های غربی کشیده شد. بدین ترتیب، مسایل جامعه‌های غربی موضوع‌های مورد مطالعه آنها واقع شدند.

الف) جوامع اولیه

استفاده از روش مردم‌نگاری در کارهای کلاسیک انسان‌شناسانی مانند: روث بندیکت،^۱ کلیفورد گیرتز،^۲ مارگاریت مید^۳ و مالدینوفسکی وجود دارد که به معرفی تعدادی از آنان می‌پردازیم.

روث بندیکت انسان‌شناس آمریکایی، دو جامعه سرخپوست کواکیوتل شمال غرب اقیانوس آرام و سرخپوستان زونی جنوب غربی آمریکا را تحلیل کرد. او کواکیوتل‌ها را به‌عنوان قوم پرخاشگری توصیف کرد که گرایش به فزون‌خواهی دارند و برای دست‌یابی به بصیرت‌های فراطبیعی بزرگ‌تر و بهتری که از طریق ریاضت به دست می‌آورند، پیوسته در رقابت با یکدیگرند. برخلاف آنها، زونی‌ها مردمی صلح‌جو و خویشان‌دارند و از هرگونه فزون‌خواهی و تجربه‌های مخل آرامش‌بیزارند و همیشه خواستار میانه‌روی‌اند (بیتس، ۱۳۷۵، ص ۷۶).

کلیفورد گیرتز، انسان‌شناس آمریکایی، که بیش‌تر انسان‌شناس تفسیری است، در مورد فرهنگ می‌گوید: فرهنگ از نظر من، یک مفهوم معنایی است. من همچون وبر بر این باور هستم که انسان جانوری معلق، درون تاروپودهای معنایی است که خود آنها را بافته است. به باور من تاروپودها فرهنگ هستند و تحلیل آنها نمی‌تواند براساس یک علم تجربی و در جست‌وجوی قوانین انجام گیرد، بلکه باید به وسیله یک علم تفسیری و در جست‌وجوی معنی انجام شود (فکوهی، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

1. Ruth Benedict

2. Clifford C. Greetz

3. Margaret Mead

مارگارت مید (مادر بزرگ انسان‌شناس‌ها) با روش مردم‌نگاری در بین قبایل مختلف در جزیرهٔ پولینزی ساموآ آنان را مورد مطالعه قرار داد. مید بر آن بود که ثابت کند، شخصیت انسان‌ها به‌طور عام و به‌ویژه شخصیت جنسی آنها بیش از آن‌که ناشی از عوامل و الزامات بیولوژیک باشد، ناشی از قالب‌های فرهنگ است که جامعه از خلال فرایندهای آموزشی خود از نخستین لحظات حیات تا هنگام بلوغ و پس از آن به کار می‌گیرد تا بتواند افراد را به شکلی که خود می‌خواهد درآورد (همان، ص ۲۷).

برانیسلاو مالینوفسکی با مطالعه پیرامون جامعهٔ جزایر تروبریاند اقیانوس آرام در تلاش برای فهم نظام درونی این افراد با جدا کردن خود از تمدنی که در آن می‌زیست، منجر به نگارش آرگونتهای اقیانوس آرام^۱ شد و پدر انسان‌شناسی کارکردی نام گرفت (مالینوفسکی، ۱۹۹۳).

ب) جوامع امروزی

امروزه انسان‌شناسان غربی به درون جامعه‌های غربی وارد شده و موضوع‌های مورد پژوهش خود را در درون جامعه می‌جویند و مورد بررسی قرار می‌دهند. بدین منظور، به معرفی چند نمونه اکتفا می‌کنیم.

یکی از شاهکارهای معاصر این اندیشه و روش را می‌توان به پژوهش زمینه‌ای مردم‌نگاری هوارد بکر^۲ جامعه‌شناس برجسته و معاصر آمریکایی متعلق به مکتب شیکاگو که در کتاب معروف خود به نام *حاشیه‌روها* به مراحل معتاد شدن گروهی از نوازندگان گروه‌های جاز می‌پردازد، اشاره کرد. وی حتی مدت کوتاهی به استفاده از مادهٔ مخدر ماری‌جوآنا مشغول شد تا هم بهتر در گروه راه یافته و هم به تفکر آنها در ارتباط با مواد مخدر، بیش‌تر پی‌ببرد (بکر، ۱۹۹۵).

از کارهای خیلی خوب و در حوزهٔ دیگر، به زندگی چندسالهٔ خانم ژان فاوره سادا^۳ انسان‌شناس معاصر فرانسوی که در میان قبیله‌ای آفریقایی زندگی کرد، تا جایگاه و روش‌های سحر و جادو را از نزدیک در بین مردم این قبایل مورد مطالعه قرار دهد، می‌توان یاد کرد (فاوره سادا، ۱۹۸۵).

1. les argonautes du pacifique occidental

2. Howard S. Becker

3. Jeanne Favret-Sada

پیتر وودز^۱ جامعه‌شناس انگلیسی مطالعه پیرامون روش تدریس معلمان و رفتار دانش‌آموزان را در نظام آموزشی انگلیس به صورت مردم‌نگاری انجام داده است. وی در پاسخ به دو سؤال اساسی «در نظام آموزش و پرورش انگلیس چه می‌گذرد؟» و «چرا این اعمال صورت می‌گیرد؟»، نظام آموزش و پرورش انگلیس را مورد مطالعه قرار داده است (وودز، ۱۹۹۰).

پاسکال دیبی^۲ انسان‌شناس معاصر فرانسوی پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی، با بازگشت به روستای محل تولد خود و زندگی در بین اهالی آن روستا، پژوهشی را با روش مردم‌نگاری پیرامون روستای محل تولد خود انجام داده است. در این پژوهش وی نه فقط به معرفی بخش‌های فیزیکی مختلف روستا و فعالیت‌های افراد می‌پردازد، بلکه به معرفی افراد بانفوذ روستا و شبکه ارتباطات بین افراد طبقات مختلف در روستا توجه می‌کند. وی حتی به عواطف و احساسات آشکار و پنهان و روابط پنهانی افراد نیز اشاره می‌کند (دیبی، ۱۹۹۵).

ژرژ لاپاساد انسان‌شناس معاصر و معروف فرانسوی پژوهشی را با روش مردم‌نگاری پیرامون گروهی از رپ‌ها به نام هیپ هاپ^۳ در فرانسه انجام داده است. وی در صدد شناخت تفکر این گروه و علل انتخاب آن توسط تعدادی از جوانان فرانسوی است. وی هم‌چنین، گروه دیگری از این تفکر به نام زولوها^۴ (شاخه دیگری از رپ) را به روش مردم‌نگاری مطالعه کرده است (لاپاساد، ۱۹۹۰).

نگارنده نیز با هم‌بین دیدگاه و روش در طول سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ و سپس در طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ با تعداد بیش از صد جوان دختر و پسر گفت‌وگوهای دوستانه‌ای را در موقعیت‌های کاملاً طبیعی در مکان‌های عمومی مانند: مجالس مهمانی، عروسی، عزا، تاکسی، اتوبوس، سالن سینما، پارک و غیره انجام داده است. در این برخوردها هدف، شناسایی فرهنگ واقعی جوانان ۱۶ تا ۲۵ ساله بوده است (منادی، ۱۳۸۴).

مراحل اجرای مردم‌نگاری

مردم‌نگاری جهت اجرا مرحله‌ای دارد. مردم‌نگاری در واقع، زمانی شروع می‌شود که

1. Peter Woods
2. Pascal Dibie
3. Hip Hop
4. Zulu

خود پژوهشگر وارد زمینه تحقیقی شود (لاپلانتین، ۱۹۸۷، ص ۷۱)؛ در واقع، نه فقط در بین افراد و مانند آنان زندگی کند، بلکه مانند آنان صحبت کرده و احساسات آنان را درک کند (همان، ص ۷۲). اولین نکته مهم در مردم‌نگاری، عمل مشاهده می‌باشد که توسط مردم‌نگار صورت می‌گیرد و باید با دقت و به صورت منسجم انجام شود. در ضمن، مشاهده‌گر باید قبل از هر چیز به اندازه و سهم هر بخش اجتماعی احترام بگذارد (موس، ۱۹۹۲، ص ۱۴).

در روش مردم‌نگاری نقشه مطالعه یک جامعه در سه بخش کلی خلاصه می‌شود:
الف) شکل اجتماعی که شامل مطالبی مانند جمعیت، جغرافیای انسانی، فن، شکل و ساختار است؛

ب) فیزیک اجتماعی که شامل صنعت، زیبایی، اقتصاد، حقوق، مذهب و علم می‌باشد؛
ج) مسایل عمومی که شامل زبان، مسایل ملی و بین‌المللی و علم تاریخ اخلاق عمومی هستند (همان، ص ۱۴).

به‌طور خلاصه، مردم‌نگار برای انجام این اعمال باید مراحل را طی کند:

الف) مطالعه ذهنی موضوع و محل مورد مطالعه

قبل از اینکه مردم‌نگار وارد محیط پژوهش شود و پژوهش خود را آغاز کند اولاً، باید یک شناخت اجمالی نسبت به موضوع و محیط تحقیق داشته باشد؛ خواه موضوع مورد مطالعه، یک قوم خاص مانند چادر نشینان باشد، یا موضوعی بسته‌تر و کوچک‌تر مانند روش تدریس معلمان. برای این کار مردم‌نگار از نوشته‌ها و پژوهش‌های موجود و تاریخچه گروه باید اطلاع داشته باشد. ثانیاً، مردم‌نگار باید بداند که هدفش از این تحقیق چیست؟ قصد مشاهده چه چیزی را دارد؟ آیا در یک ایل یا قبیله هدفش مطالعه پیرامون روابط زن و مرد یا مادر و فرزند، یا وظایف هر یک یا مجموعه اینها می‌باشد؟ (لاپاساد، ۱۹۹۶، ص ۴۵).

ب) مذاکره برای ورود به محیط پژوهش

پژوهشگر باید در ابتدا طرحی روشن و علمی داشته باشد و به صورت رسمی کار خود را آغاز کند. بدین ترتیب، مذاکراتی را با افرادی داشته باشد که آنها او را بپذیرند تا بتواند

به صورت نیمه‌عضو در آن جامعه به نگارش و ثبت وقایع مورد نظرش بپردازد. اگر محیط تحقیق با پژوهشگر همکاری نداشته باشد، وی قادر نخواهد بود واقعیت‌ها را لمس کند. برای مثال، در مطالعه یک ایل، کافی است یکی از افراد صاحب نفوذ اجازه ورود مردم‌نگار را به وی داده باشد. بودن در کنار فردی صاحب نفوذ یک تسلی خاطر برای دیگر اعضا بوده و آنها محقق را به‌عنوان جاسوس یا بیگانه قلمداد نمی‌کنند، لذا در این شرایط مردم‌نگار می‌تواند در کلیه جلسات و مراسم گروه شرکت کند.

ج) مشاهده و نگارش

بعد از اینکه پژوهشگر مردم‌نگار مورد تأیید گروه قرار گرفت، می‌تواند به راحتی در محیط تحقیق رفت و آمد داشته باشد و به صورت یک عضو در محل مشغول فعالیت شود، به مکان‌های ویژه رفت و آمد کند و از برنامه‌ریزی‌های حساس اطلاع یابد و با دیگر افراد صاحب نفوذ در گروه برخورد داشته باشد. در ضمن، پژوهشگر باید در اولین فرصت کلیه مشاهده‌ها، مذاکرات و شنیده‌ها را به رشته تحریر دریاورد. به‌طور کلی، پژوهشگر تحلیل و بررسی نهایی را پس از پایان دوره‌ای که مدنظر او بوده است و براساس داده‌ها (کلیه نوشته‌ها) می‌تواند شروع کند (هس، ۱۹۸۹).

د) زمان مردم‌نگاری

مدت مردم‌نگاری کوتاه نیست. برای اینکه مردم‌نگار بتواند اعمال و مراسمی را نه فقط یکبار، بلکه چندین بار به صورت کامل مشاهده کند، بسته به اهمیت، وسعت و محیط مورد مطالعه، دوره زمانی مردم‌نگاری متفاوت می‌باشد. طبیعی است که هر چقدر مردم‌نگار مدت بیشتری را در محیط تحقیق بماند، اطلاعات بیش‌تر و غنی‌تری را به دست خواهد آورد (لورو، ۱۹۸۸).

مردم‌نگار در نگارش یک صحنه، واقعه یا گفتگوی غیر رسمی باید بلافاصله تجزیه و تحلیل خویش را هرچند اندک به رشته تحریر دریاورد، تا پس از اتمام دوره مشاهدات عینی وقتی به تحلیل نهایی می‌پردازد، بتواند از تحلیل‌های جزئی که نزدیک به واقعیت همان زمان است، استفاده کند. چه بسا پس از زمان طولانی از نگارش مطالب نتوان همان تحلیلی را به دست آورد که در روز حادثه یا زمان گفتگو صورت گرفته است.

مسایل مورد مشاهده در مردم‌نگاری

طبیعی است که بسته به محیط پژوهش و اهداف آن، مسایل گوناگونی ممکن است مورد توجه پژوهشگر قرار بگیرد. ما در اینجا به نمونه‌ی کاملی از مسایلی که باید مورد توجه مردم‌نگار قرار گیرد اشاره می‌کنیم.

۱. فیزیک اجتماعی

در این قسمت پژوهشگر مردم‌نگار باید وسعت محیط مورد مطالعه، شکل ساختمان یا ساختمان‌ها، اندازه ساختمان، محل کار یا سکونت افراد و اعضای آن جامعه را به دقت مورد توجه قرار دهد. تشابه ساختمان‌ها و تغییرات براساس طبقات مختلف اجتماعی نیز مورد توجه قرار بگیرد. محله‌های مختلف، مکان‌های مهم و غیر مهم، محل کسب، سکونت، تفریح و...، مورد بازدید و بررسی دقیق قرار بگیرند. به عبارتی، همه مکان‌های عمومی و خصوصی باید مورد بررسی قرار گیرند. هم‌چنین، زبان و نحوه استفاده از آن توسط طبقات مختلف جزء فیزیک اجتماعی یا شکل ظاهری جامعه می‌باشد (موس، ۱۹۹۲، ص ۲۳-۲۸).

۲. صنعت جامعه

صنعت جامعه و هیچ وسیله صنعتی قابل استفاده در آن محیط، هرچند اندک، نباید مورد غفلت قرار گیرد. وسایل غذاخوری اعم از ظروف آشپزی (اجاق یا وسایل مدرن) و وسایل روشنایی، وسایل گرم کردن، تجهیزات خواب (تختخواب و یا وسایل دیگر)، وسایل نظافت بدنی و مسکونی، وسایل رفاهی منازل و پوششی (حصیر و فرش)، وسایل شخصی در منزل، و در نهایت، وسایل شخصی و عمومی رفت و آمد در شهر، مورد توجه قرار می‌گیرد. آیا این وسایل تهیه شده در داخل جامعه بوده یا از بیرون تهیه شده است؟ (همان، ص ۲۹-۸۳).

هم‌چنین، شیوه‌های دامداری، کشاورزی، شکار، ماهیگیری، وجود کارگاه، کارخانه‌های تولیدی مانند پارچه‌بافی، تهیه لباس، وسایل ارتباطات بین افراد (جارچی، رسانه‌ها یا مطبوعات) نیز باید مورد توجه واقع شوند. به باور موس باید توجه داشته باشیم و بدانیم که هیچ جامعه‌ای هرچند ابتدایی بدون علم نمی‌باشد (همان، ص ۱۵) بنابراین، وضعیت، امکانات و سطح علم جامعه نیز باید مدنظر قرار گیرد.

۳. زیبایی‌شناسی جامعه

هر فضایی آراستگی خاص خود را دارد. بنابراین، وسایل زیستی یکی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی انسان، از یک جامعه ابتدایی اولیه گرفته تا جامعه مدرن امروزی، را شکل می‌دهد. به صورت خلاصه و سریع می‌توان زیبایی را در نقاط مختلف زندگی انسان‌ها مشاهده کرد.

زیبایی و رنگ‌آمیزی، دکوراسیون محل سکونت یا محل کار یا محل رفت و آمد مانند: کوچه‌ها و خیابان‌ها (گلکاری، تفکیک فضاها و جدول‌بندی و غیره) در نظر گرفته شوند.

بدن و ترکیب آن (اندام) و چیزی که متعلق به آن می‌باشد. از نوع آرایش سر و صورت، استفاده از زیورآلات، نوع لباس و زیبایی خود چهره نیز براساس فرهنگ قابل بررسی می‌باشند. نقش کلاه، و نقش ماسک در جامعه مهم است.

هنرهای مختلف موجود در جامعه یا در محل سکونت یا محل‌های عمومی اعم از نقاشی، مجسمه و کارهای دستی در نظر گرفته شوند.

توجه به فرم و نقش موسیقی، جایگاه و استفاده آن در موقعیت‌های مختلف و براساس سنین و طبقات مختلف اجتماعی به صورت خصوصی و یا عمومی، ملاک و مهم است.

نقش غم و شکل آن در مواقع خاص مانند: عزاداری در موقع از دست‌دادن بستگان یا بزرگان قوم یا سردمداران مذهبی، به شکل خصوصی و عمومی، مهم هستند.

شعر و نثر و به‌طور کلی، ادبیات و مفهوم و شکل آن، استفاده از آن در سنین و در طبقات مختلف، و جایگاه ادبیات در جامعه مدنظر است.

بازی‌های موجود برای سنین مختلف اعم از کودکان یا بزرگسالان، بازی‌های فیزیکی و فکری و فردی و گروهی نیز قابل توجه می‌باشند (همان، ص ۸۵-۱۲۲).

هم‌چنین، موس معتقد است که هرگز هیچ عنصر زیبایی نباید بدون ارتباط با دیگر عناصر موجود جامعه مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد (همان، ص ۱۰۵).

۴. پدیده اقتصادی

پدیده اقتصادی یا وضعیت اقتصادی جامعه مورد نظر که شامل عناصر مختلفی می‌باشد.

این عناصر مطالعاتی عبارتند از: تقسیم کار اجتماعی، وجود تخصص‌های مختلف یا درجات متفاوت تخصص، تولید انبوه کالا چه برای عرضه داخل و چه صادراتی، وضعیت پول و مشخصات فیزیکی و ارزشی رایج، درآمدها در سطوح مختلف، شکل اقتصادی اعم از سنتی، کمونیسیم، سرمایه‌داری یا سوسیالیسم، وضعیت حقوق و درآمد در سطوح مختلف، تورم در جامعه، مصرف جامعه نسبت به کالاهای مختلف و عکس‌العمل مردم نسبت به کالاهای داخلی و خارجی (همان، ص ۱۲۳-۱۳۴).

طبیعی است که در مطالعه یک قبیله کوچک یا گروه کوچک باید وضعیت اقتصادی درون گروه کوچک در ارتباط با محیط اجتماعی وسیع‌تر که آن محیط کوچک را احاطه کرده است، صورت پذیرد؛ مانند شهرهای نزدیک به قبیله مذکور که مورد مطالعه می‌باشد.

۵. پدیده حقوقی

پدیده حقوقی یا قوانینی که حاکم بر آن جامعه می‌باشند تا از طریق اجرای آن قوانین نظم بر جامعه حاکم و امنیت پدید آید. در واقع، از طریق قانون، کنترل اجتماعی و تعادل در جامعه برقرار می‌شوند. اما اینکه منبع اصلی قانون‌گذاری چه کسی یا چه کسانی هستند؟ مثلاً در بعضی از جوامع سنتی ریش‌سفیدان طراحان و واضعان قانون هستند و در جامعه‌های مذهبی، قوانین مذهب و در جوامع مدرن و پیشرفته امروز نمایندگان که منتخب مردم هستند، وضع‌کننده قوانین می‌باشند. مجریان قانون نیز بخش دیگری هستند که باید مورد توجه واقع شوند. سپس کنترل‌کنندگان قانون اعم از قضاوت و نیروهای نظامی که به چه صورت و تا چه حد اختیارات بر اجرای قوانین نظارت و کنترل آن بر عهده آنان می‌باشد (همان، ص ۱۳۵-۱۹۷).

در حوزه قانون، محتوای آن در سطوح و آحاد مختلف در جامعه فرق می‌کند. اولاً، نوع قانون، برای مثال؛ قانون مربوط به ازدواج و طلاق، تملک زمین، ارتباط تولیدکننده با حکومت در دادن مالیات می‌باشد. ثانیاً، اجرای قانون در آحاد مختلف به‌خاطر قدرت بعضی طبقات، متفاوت است. در واقع، قانون برای همه یکسان و به یک شدت عمل نمی‌شود.

۶. پدیده اخلاقی

قانون و اخلاق را نباید یکی دانست، بلکه دو مقوله کاملاً متفاوت می‌باشد. هر جامعه‌ای

دارای نظام ارزشی خاص است، و خوبی‌ها و بدی‌ها معنای یکسانی در جوامع مختلف ندارند. یعنی ملاک خوب بودن در هر جامعه، مختص قوانین اخلاقی آن جامعه می‌باشد. اخلاق اجتماعی عمومی و حاضر در جامعه و اخلاق خصوصی نیز از جمله مسایلی است که باید مورد توجه قرار گیرد. در گذر از ادبیات، اصطلاحات شفاهی رایج در هر جامعه، و مثل‌ها می‌توان به چگونگی شکل و فرم اخلاق در جامعه پی برد. صفات نیک و بد جامعه و سمبل‌های اخلاقی موجود در جامعه مُعرف اخلاق آن جامعه هستند. اعمال پسندیده جامعه می‌بایستی کشف و شناسایی شوند (همان، ص ۱۹۹-۲۰۲).

۷. پدیده مذهب

جامعه بدون اعتقادات و مذهب وجود ندارد، حتی بی‌دین‌ترین جوامع نیز دارای اعتقاداتی هستند. با توجه به اینکه، اغلب مردم‌نگاری در کشورهای سستی یا عقب‌مانده صورت گرفته است، پدیده مذهب در این جوامع بسیار قوی است. آداب و رسوم مذهبی در هر جامعه‌ای بهترین وسیله شناخت شکل، فرم و وابستگی افراد آن جامعه به مذهب می‌باشد. سپس فرایض دینی فردی که آن جامعه خود را موظف به اجرای آنها می‌دانند، از مهم‌ترین شاخص‌های شناسایی مذهب در آن جامعه می‌باشد. مرزبندی‌های موجود بین ارتباط زن و مرد از شاخص‌های دیگر شناسایی مذهب است. مجالس عزاداری و یا مطالعه پیرامون موقعی که افراد با مشکلی روبرو می‌شوند و چگونگی برخوردشان با خدای خود بهترین شاخص برای درک مذهب است (همان، ص ۲۰۳-۲۵۹).

در نهایت، شکل و فرم روحانیت، شیوه ارتزاق آنان، و شکل برخورد آنها با جامعه، نقش و جایگاه آنها در جامعه و ارتباط آنها با افراد طبقات مختلف جامعه می‌تواند در شناسایی مذهب جامعه کمک کند. شدت و ضعف مذهب در اقشار و طبقات مختلف جامعه نیز می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد. مخالفت یا بی‌توجهی یا بی‌تفاوتی نسبت به مذهب نیز در بین مردم در طبقات مختلف، از مسایل مهم جامعه است.

۸. تفریحات یا پدیده فرهنگی

هیچ جامعه‌ای را بدون تفریحات و سرگرمی‌های فرهنگی نمی‌توان یافت. در ابتدایی‌ترین جوامع مانند جوامع آفریقایی، مراسمی که افراد خود را با تزئینات مختلف

به شکل حیوانات درمی‌آورند و برنامه‌های تفریحی ایجاد می‌کنند، تا جوامع مدرن امروزی در عناصری مانند وجود سینما، تئاتر، مراکز ورزشی، مراکز دانسینگ‌ها (محل رقص) و کاباره‌ها (تماشاخانه) و کازینوها (قمارخانه)، همه حاکی از وجود تفریحات در جامعه می‌باشند.

سرگرمی‌های فرهنگی افراد جامعه بخش مهمی از فرهنگ آن جامعه را معرفی می‌کند. چون هر فرهنگی تفریحات خاصی را مجاز می‌داند. وجود بازی‌های سرگرم‌کننده اعم از بازی‌های فردی یا گروهی، فکری یا دستی، همه گواه خوبی برای تشخیص فرهنگ آن جامعه و دیگر وسایل مختلف بازی، مُعرف فرهنگ جامعه می‌باشند. هم‌چنین، تفاوت بین تفریحات در طبقات مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تفاوت بین وجود امکانات و شرایط فرهنگی و تفاوت در سنین مختلف، قابل توجه هستند.

۹. پدیده دفاعی و کنترل اجتماعی

این پدیده به‌طور کلی، زیر پوشش پدیده حقوقی جامعه می‌باشد. ولی می‌توان آن را به‌طور مجزا نیز بررسی کرد. برای اجرای قوانین جامعه، کنترل اجتماع و برای اینکه افرادی از آن قوانین سرپیچی نکنند و یا اگر سرپیچی کردند، نیروهایی بتوانند آنان را شناسایی، جلب و زندانی کنند. نیروهایی تحت عنوان نیروهای امنیتی و انتظامی وارد عمل می‌شوند که این نیروها بسته به فرهنگ و نظام ارزش‌های جامعه و بزرگی و کوچکی جامعه متغیر است. برای مثال، پلیس در تمامی جوامع وجود دارد. در قبیله‌ها، یا پلیس وجود ندارد یا این مسؤلیت به نوبت بین اهالی تقسیم می‌شود. ولی در جامعه‌های مدرن به شکل دیگری عمل می‌کنند. در جامعه فعلی ما در زمینه اخلاقیات دینی نیروهایی مانند: ناصحان، نهی از منکر و بسیج وارد عمل می‌شوند. گروه دیگر کنترل، از مرزهای جغرافیایی حفاظت می‌کنند. در قبایل کوچک نخبه‌انانی وظیفه پاسداری را بر عهده دارند، ولی در جوامع امروز نیروهایی تحت عنوان ارتش فعالیت می‌کنند. امروزه بحث کنترل محیط زیست به صورت جدی مطرح است و نیروهایی در این زمینه فعال هستند.

به‌طور کلی اولاً، شکل و نوع کنترل اجتماعی متفاوت است. ثانیاً، اندازه آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق می‌کند. ثالثاً، نوع هنجاری و یا انحرافات اجتماعی در

جوامع متفاوت بوده، بنابراین، برخورد با آنها نیز نیروهای خاصی را می‌طلبد. رابعا، شیوه‌های حکومت‌داری نیز متفاوت بوده و لذا در مقابل انحراف یکسان و تخطی مشابه از قانون، برخورد متفاوتی صورت خواهد گرفت.

مشکلات مردم‌نگاری

چرا ما نمی‌توانیم مردم‌نگاری خوبی داشته باشیم؟ همان‌طوری که در معرفی مراحل این روش توضیح داده شد، در مواقعی مردم‌نگار باید در بین گروه به مانند آنان زندگی کند، یعنی از نظر فرهنگی و رفتاری تغییر کند تا به رمز و راز، افکار، عقاید و آداب و رسوم گروه پی ببرد. در مواقعی این تغییرات با سن، شخصیت یا افکار مردم‌نگار جور در نمی‌آید. به عبارتی، جوامعی مانند جامعه ما، فرهنگ، قوانین و ارزش‌هایی را مطرح می‌کند که عدول از آنها نه تنها متضاد با ارزش‌های بومی بوده، بلکه باعث به هم ریختگی روانی نیز می‌شود. از این رو، افراد جامعه ما محدودیت‌هایی برای اجرای مردم‌نگاری در مورد بسیاری از موضوع‌ها دارند.

چرا غربی‌ها در این مورد قوی هستند و کارهای خوبی را هم در جوامع خود و هم در جوامع دیگر به خصوص در شرق انجام داده‌اند؟ پُر واضح است که فرهنگ غربی‌ها آزادی بیشتری نسبت به فرهنگ‌های شرقی داشته، لذا انجام یک سری از اعمال (مثلا خوردن خوراک جوامع دیگر) برای آنان هیچ محدودیتی به همراه نداشته، بنابراین آنان راحت‌تر به درون جوامع دیگر وارد شده و به انجام پژوهش‌های خود می‌پردازند. البته ما نیز در مورد خیلی از موضوعات جامعه فعلی خود محدودیتی نداشته و از طریق مردم‌نگاری می‌توانیم به خیلی از نکات خوب و برجسته فرهنگ خود پی برده و هم نکات مسأله‌ساز را شناسایی کرده و در جهت کم شدن آنها در جامعه اقدام کنیم.

بحث و نتیجه

مردم‌نگاری به‌عنوان یک روش کیفی بیش‌تر در رشته انسان‌شناسی مرسوم بوده و است. به تازگی تعدادی از جامعه‌شناسان حوزه‌های دیگر مانند حوزه آموزش و پرورش نیز برای فهم موضوع خود، به این روش روی آورده‌اند. مردم‌نگاری ایجاب می‌کند تا پژوهشگر مردم‌نگار مدت‌زمانی را با افراد مورد مطالعه خود به نوعی یا زندگی کرده

(مانند مطالعهٔ قبیله‌ای) و یا ارتباط مستمر (مانند مطالعهٔ روش مدیریت در ارتباط با معلمان) داشته باشد.

در ابتدا مردم‌نگاری توسط غربی‌ها در جوامع دیگر، یعنی در جوامع دور دست و اغلب ابتدایی و یا سنتی انجام می‌شد. از این‌رو، قرن‌ها شرق و کشورهای آفریقایی و آسیایی، زمینه‌های پژوهشی انسان‌شناسان غربی محسوب می‌شدند. ولی به مرور زمان به جامعه‌های خود روی آورده و به موضوع‌های داخلی با روش مردم‌نگاری به پژوهش پرداختند که به تعداد اندکی از آنان اشاره داشتیم.

به تجربه ثابت شده است که مردم‌نگاران در گذر از این روش به اطلاعات بسیار دقیق و عمیق علمی دست یافته‌اند. به طوری که، این نوع داده‌ها قابل مقایسه با داده‌هایی که به کمک روش‌های دیگر بدست آمده‌اند، نمی‌باشند. در مواقعی این اطلاعات فقط جنبهٔ شناخت داشته، بنابراین برای جامعهٔ علمی مفید بوده‌اند. برای مثال، جهان‌شمولی نظریه‌های فروید در زمینهٔ بلوغ توسط مارگارت مید در قبایلی آزمایش شد و تأیید نشد. در مواقعی نیز از این اطلاعات به زعم ادوارد سعید^۱ سوءاستفاده و یا استفاده‌های سیاسی شده است (سعید، ۱۳۸۳) یعنی، سیاستمداران با استفاده از دست‌آوردهای مردم‌نگاران، (بدون اینکه آنان در جریان باشند) در انجام فعالیت‌های خود از نقاط ضعف مردم جامعه‌ای نهایت سوءاستفاده را جهت استعمارگری خود کرده‌اند، البته در مواقعی نیز شناخت دقیق موضوعی به روش مردم‌نگاری باعث شناخت علل وجود آن موضوع شده است که در گذر از این شناخت، مسؤولین جامعه بهتر توانسته‌اند آن مشکل را برطرف کنند. مانند کاری که لاپاساد انسان‌شناس معاصر فرانسوی در مورد گروهی از رپ‌ها به نام تگ^۲ که مدتی نقاشی‌های مهبجی بر روی ایستگاه‌های مترو و یا بر روی خود متروها می‌کشیدند. به طوری که این نقاشی‌ها علاوه بر اینکه چهرهٔ متروها و ایستگاهها را بد جلوه می‌داد، باعث تولید نگرانی و به هم ریختگی روانی در تعداد زیادی از استفاده‌کنندگان مترو می‌شد. لازم به ذکر است که قبل از انجام این پژوهش توسط لاپاساد مسؤولین مترو هر ساله هزینهٔ زیادی (چند میلیون یورو) را برای پاک کردن این تصاویر مصرف می‌کردند. این ارقام در تابلوهایی در خود متروها منعکس

1. Edward W Said

2. Tag

شده بودند. در حالی که، پژوهش مردم‌نگارانه ژورژ لاپاساد نه تنها باعث شناسایی علل وجود این امر در جوانان شد، بلکه به ارایه راه حلی منطقی برای رفع این معضل انجامید (لاپاساد، ۱۹۹۰).

از این‌رو، مردم‌نگاری در صورت خوب اجرا شدن می‌تواند از سویی، در فهم بسیاری از نکات خوب فرهنگ جامعه که صورت می‌گیرد (بدون اینکه کنش‌گران آن عمل شناختی در مورد علل وجودی آنها داشته باشند) و از سوی دیگر، نکات منفی که باعث بی‌هنجاری و ناامنی و در نهایت مانع پیشرفت و توسعه جامعه می‌شود، مفید باشد. به پیروی از اندیشه ادوارد سعید می‌توان گفت در صورتی که ما نیز مردم‌نگاری را خوب بیاموزیم و پژوهش‌های خود را با روش مردم‌نگاری انجام دهیم، ما هم می‌توانیم به مانند غربی‌ها، جامعه آنان را مورد مطالعه دقیق قرار داده و بدون اینکه شیفته پیشرفت‌ها و فرهنگ جامعه آنان شویم، به نکات مثبت و منفی جامعه آنها پی برده و در صورت لزوم از این شناخت‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و شکل ارتباط ما با غرب استفاده کنیم.

فهرست منابع و مآخذ

۱. بیتس، دانیل؛ فرد، پلاگ؛ *انسان‌شناسی فرهنگی*. ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی. تهران، ۱۳۷۵.
۲. پلتو، پرتی ژ؛ *روش تحقیق در انسان‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. انتشارات علمی. تهران، ۱۳۷۵.
۳. *روش کیفی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری*، فصلنامه حوزه و دانشگاه؛ سال دوازدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۸۵.
۴. ریویر، کلود؛ *درآمدی بر انسان‌شناسی*. ترجمه ناصر فکوهی. نشر نی، تهران، ۱۳۷۹.
۵. سعید، ادوارد؛ *شرق‌شناسی*. ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چ چهارم ۱۳۸۳.
۶. فکوهی، ناصر؛ *پاره‌های انسان‌شناسی*. مجموعه مقاله‌های کوتاه، نقدها و گفت‌وگوهای انسان‌شناختی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۵.
۷. منادی، مرتضی؛ *به هم‌ریختگی روانی و فرهنگی در موقعیت‌های میان‌فرهنگی*، بررسی وضعیت جوانان در مقابل تلویزیون و ماهواره، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی سازماندهی خدمات روان‌شناسی و مشاوره (دانش‌افزایی بالینی). ششم و هفتم دی‌ماه ۱۳۸۲. تهران، دانشگاه شهید بهشتی. به کوشش دکتر روشنگر خدابخش. ج ۲، ۱۳۸۴.
8. Becker Howard. S. outsiders. Métalité, Paris, 1995.
9. Boumard Patrick. Un conseil de classe très ordinaire. Temoigner/Stock 2, 1982.
10. Boumard Patrick. Pour introduire à l'ethnographie de l'école. In: pratique de Formation, no 20, Decembre. Paris, 1990.
11. Bourdieu Pierre. L'Amour de l'art. Edition de Minuit. Paris, 1966.
12. De Luze Hubert. L'ethnométhodologie. Anthropos. Paris, 1997.
13. Dibie Pascal. Le village retrouve. Editions du l'Aube. Paris, 1995.

14. Favret-Sada Jeane. Les mots, la mirt, les sorts. Folio, Essais. Paris, 1985.
15. Hess Rémi, Le lycée au jour le jour. Paris, Meridien Klincksiek, 1989.
16. Lapassade Georges A, De l'ethnographie de l'ecole a celle des eleves. In: Pratique de Fornation, no 20, Décembre. Paris, 1990.
17. Lapassad Georges B, La fac des Raps. In Figaro, 15 Decembre, 1990.
18. Lapassad Georges. L'ethnosociologie, Merdiens Klincksieck. Paris, 1991.
19. Lapassad Georges. Les Microsociologies. Anthropos. Paris, 1996.
20. Laplantin Francois L'anthropologie. Clefs Pour, Edition Seghers. Paris, 1987.
21. Laplantin Francois, La description ethnographique. Nathan-universite, 2000.
22. Loureau Rene, Le journal de Recherche. Merdiens Klincksieck. Paris, 1988.
23. Malinowski Bronislaw. Les argonautes du Pacifique occidental. Paris, Gallimard, 1993.
24. Mauss Marcel. Manuel d'ethnographie. Petite bibliotheque Payot, Paris, 1992.
25. Monadi Morteza. Les crises l'identite des jeunes iraniens: Les futures acteurs sociaux. In: Iran. Questions et Connaissances. Vol. III Textes reunis par Bernard Hourcade, Association pour l'avancement des etudes iraniens, Paris, 2003.
26. Woods Peter. L'ethnographie de l'ecole. Armand Colin. Paris, 1990.